

بررسی ویژگی های حماسه در «ملحمه عید الغدیر» اثر بولس یوسف سلامه

\* دکتر علی صابری

\*\* سعیده بیرجندی

چکیده: بولس یوسف سلامه ادیب معاصر لبنانی با اینکه مسیحی است ارادت خاصی به شیعه و به خصوص حضرت علی (ع) دارد. از جمله آثار وی منظومه ای به نام «ملحمه عید الغدیر» است که در بیش از سه هزار بیت سروده شده و به ذکر وقایع تاریخی مقارن ظهور اسلام تا قیام کربلا پرداخته است. قهرمان اصلی این اثر امام علی و فرزندش امام حسین (ع) هستند. این منظومه تا حدود زیادی ویژگی های حماسه را در خود دارد و جزء یکی از بهترین آثار حماسی در ادبیات عربی در دوره معاصر محسوب می شود.

واژگان کلیدی: حماسه، عید الغدیر، بولس سلامه، امام علی (ع).

---

\*دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

\*\*دانش آموخته مقطع دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۷/۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۲/۱۵

«بولس یوسف سلامه» (۱۹۰۳ م - ۱۹۷۹ م) از مشاهیر ادبای مسیحی لبنان است. پیشه‌اش قضاوت بوده و در حرفه خود به دادگری و عدالت‌ورزی مشهور بوده است. (داغر، ۱۹۸۳ م، ۴ / ۳۴۸) همچنان‌که «علامه امینی» نیز به این مسئله در کتاب «الغدیر» اشاره نموده است (امینی، ۱۹۸۳ م، ۶ / مقدمه، ط). سلامه از جمله شعرای سمبولیسم است که اشعارش به مقدمه‌های دلنشین، شیوایی بیان، فصاحت معنا و قوت عاطفه آراسته است. وی در دو محور: «غنایی» و «حماسه» شعر سروده است. از آثار سلامه می‌توان به: «عید الریاض»، «علی و الحسین»، «فلسطین و اخواتها» و «ملحمه عید الغدیر» اشاره کرد (داغر، ۱۹۸۳ م، ۴ / ۳۴۹ - ۳۴۸).

ما در این مقاله به بررسی ویژگی‌های حماسه در ملحمه عید الغدیر، می‌پردازیم:

شعر حماسی (ملحمه یا ادبیات پهلوانی)، شعری است طولانی به شیوه داستان که در قالب اسطوره سروده می‌شود (بقاعی، ۱۹۸۵ م، ۲۶۲). در حقیقت می‌توان گفت حماسه برخاسته از اسطوره است. بنابراین، اسطوره‌ای بودن حماسه، نخستین و حتی مهم‌ترین ویژگی آن است. از این رو حماسه در فرهنگ‌ها و سرزمین‌هایی رشد می‌کند که دارای تاریخی کهن و اسطوره‌ای دیرینه‌اند (کزازی، ۱۳۷۲ ش، ۱۸۳).

موضوع یک اثر حماسی، رفتار و کردار پهلوانان و حوادث قهرمانی و افتخارات تاریخی و باستانی یک ملت است. از این رو چشم انداز آن گسترده، سبکش عالی، پرآب و تاب و همراه با ساختی ماهرانه است که در حقیقت آمیزه افسانه، تاریخ و فولکلور است. این‌گونه داستان‌ها از لحاظ ملی اهمیت بسیار دارند، بدین جهت که تاریخ، آرمان‌ها و اندیشه‌های یک ملت و منزلت عظیم آن را با روشی متعالی و افتخار آمیز به تصویر می‌کشد همچنین در حماسه آمیختگی نیکی و بدی و ستیز ناسازها الزامی است (بقاعی، ۱۹۸۵ م، ۲۶۲؛ مختاری، ۱۳۶۸ هـ ش، ۲۱؛ کزازی، ۱۳۷۲ هـ ش، ۱۸۴).

در ادبیات قدیم عربی اثری که بتوان نام حماسه، به معنای دقیق، بر آن إطلاق کرد وجود ندارد و این بدان دلیل است که عربها در دوره جاهلی حکومت و تمدن درخشانی نداشته‌اند و اصلاً حکومت واحدی نداشتند بلکه در قبیله زندگی می‌کردند. بنابراین احساس قومی و ملی ای که باعث سرودن حماسه‌های ملی شود، در آن زمان وجود نداشته است (نک، مقدسی، ۱۹۸۲ م، ۳۹۴). در ادبیات معاصر عربی، چند اثر که رایحه حماسه از آن‌ها برمی‌خیزد پدید آمدند، که از جمله می‌توان به «الإبلیاذة الإسلامیه» اثر «أحمد محرم» و همچنین «مولد النور» اثر «سعید العسلیلی» اشاره کرد.

حماسه «عید الغدیر» نیز یکی از این آثار حماسی است که «انیس مقدسی» در کتاب «الاتجاهات الادبیه» آن را از بهترین و قوی‌ترین حماسه‌های دوره معاصر معرفی می‌کند (مقدسی، ۱۹۸۲، م، ۳۹۴). این حماسه مجموعه قصائد مختلفی است که شامل حوادث تاریخی صدر اسلام تا واقعه کربلا است و نزدیک به ۳۵۰۰ بیت می‌باشد و با اینکه تنها اختصاص به واقعه «غدیر خم» ندارد، به جهت اهمیت این روز تاریخی و این‌که بسیاری از رویدادها در تاریخ اسلام، به این روز پیوند خورده است «سلامه» نام «عید الغدیر» را بر اثر خویش نهاده است.

این منظومه در سال ۱۹۴۸ توسط «بولس سلامه» و به سفارش «سید حسین شرف‌الدین» صاحب «المراجعات» در مدت شش ماه سروده شد. سلامه این منظومه را با قطعه کوتاهی به نام «الجاهلیه» شروع می‌کند و همان‌طور که از نامش پیداست به وصف دوران جاهلیت می‌پردازد. سپس در قطعه‌های بعدی، «قریش» و اجداد پیامبر (ص)، میلاد آن حضرت تا بعثت، میلاد حضرت علی (ع) و رشادت‌های ایشان در جنگ‌ها با پیامبر (ص) را توصیف می‌کند و بعد حادثه غدیر خم را در قطعه‌ای نسبتاً طولانی با نام «عید الغدیر» به تصویر می‌کشد. سپس به ذکر قایع تاریخی بعد از آن روز که شامل؛ وفات پیامبر (ص)، خلافت ابوبکر، عمر بن خطاب و عثمان و امام علی (ع) است، می‌پردازد. بعد از آن به ترتیب؛ جنگ‌های امام علی (ع)، خلافت معاویه و خلافت یزید بن معاویه، را ذکر می‌کند. «سلامه» در بخش پایانی اثرش که تقریباً یک سوم کتاب را به آن اختصاص داده، جریان قیام امام حسین (ع) و حوادث مربوط به آن مثل؛ رفتن مسلم به کوفه و به شهادت رسیدن وی در آن‌جا، رفتن امام حسین به سمت کربلا را به تصویر می‌کشد. او وقایع کربلا، موعظه‌ها و سخنان امام حسین و نبرد یک‌یک اصحاب آن حضرت را بازگو می‌نماید و بعد از آن نیز به ذکر احوال بانوان و کودکان خاندان پیامبر (ص) که در کربلا حضور داشتند و به اسارت کشیده شدند روی می‌آورد. سلامه در نهایت اشعارش را با قطعه‌ای به نام «الخاتمه» به اتمام می‌رساند. وی در این قطعه بعد از طلب آمرزش از خداوند، او را بخاطر این که مدح حضرت امیر (ع) را بر وی الهام کرده، سپاس می‌گوید. شاعر در این قسمت، همان‌طور که در مقدمه کتابش نیز تأکید کرده، خطاب به پروردگار می‌گوید که تمام آن چه ذکر کرده چیزی جز حق نبوده است:

مصدرَ الحقِّ لم أقلَّ غیرَ حقِّ	أنتَ أجریتَه علی الشفتیا
أنتَ ألهمتَنی مدیحَ علی	فهی غیدقُ البیانِ علیاً

ترجمه: ای سرچشمه حق! من جز حق نگفتم که تو آن را بر زبانم جاری ساختی، تو مدح علی را به من الهام کردی وسیل بیان وفصاحت بر من جاری شد.

معانی کلی و عمومی‌ای که «سلامه» به آن پرداخته، آمیزه‌ای از ادبیات، تاریخ و جامعه است. وی در خلال بازگو کردن مسائل تاریخی می‌کوشد حقانیت حضرت علی(ع) در خلافت بلافصل پیامبر اکرم (ص) را ثابت نماید و دلآوری‌های حضرتش را به تصویر کشد. لذا محور کتاب، پهلوانی‌ها و رشادت‌های امیرالمؤمنین(ع) است. در حقیقت سلامه آن حضرت را به عنوان قهرمان حماسه‌اش برگزیده است. شیوه او در ادای معانی نه آنقدر ساده و روان است که به ابتذال کشیده شود و نه آنچنان پیچیده و دشوار که به سختی قابل فهم باشد و همان‌طور که خود در مقدمه کتاب اشاره کرده؛ واژگان مشکل و حوادثی که در کتاب به آن‌ها اشاره کرده را به طور کامل در پاورقی شرح داده است (مثلاً نک، سلامه، ۱۹۹۰م، ۱۶۷-۱۶۱).

همچنین شاعر از مبالغه پرهیز کرده است زیرا به اعتقاد وی «خیال پردازی در ذکر حوادث تاریخی حرام است» او خود در مقدمه این کتاب تأکید کرده که هر آن چه را نقل کرده از کتب معتبر تاریخی، از قبیل؛ تاریخ طبری، مسعودی و ابوالفداء، برگرفته است (همان، ۱۹).

ما برای بررسی ویژگی‌های حماسه در «ملحمه عبد الغدیر»، ابتدا ویژگی‌های حماسه را ذکر کرده و سپس آن‌ها را در کتاب مورد بحث بررسی می‌کنیم:

۱. به کاربردن الفاظ و واژگان فخیم در حماسه: شاعر در حماسه باید بهترین الفاظ و مناسب‌ترین واژگان را برای بیان افکارش انتخاب کند و به این جهت که شعر حماسی، احساس غرور و افتخار را به

خواننده منتقل می کند، شاعر باید از واژگانی فخیم و با شکوه غرور آمیز در اثرش استفاده کند. سلامه برای بیان تفکر و احساسش، سبکی ساده و روان را برگزیده است. که این سادگی و عدم تکلف هم در لفظ و هم در معنا مشهود است. و چنان که خود می گوید: «سعی کرده تا از به کار بردن واژگان غریب و یا الفاظ مهجور خودداری کند» (سلامه، ۱۹۹۰ م، ۱۶۷-۱۶۱).

۲. پرهیز از خیال بافی و پر و بال دادن به وقایع: یکی از ویژگی های حماسه سرایی، خیال پردازی و افسانه سرایی است. اتکا بر عنصر خیال یکی از مهم ترین عواملی است که حماسه را زیبا و مورد پسند می نماید (بقاعی، ۱۹۸۵ م، ۲۶۲). سلامه، تا توانسته از خیال بافی و افسانه سرایی دوری کرده است. چراکه از نظر وی «حماسه اش تماماً مستند و مطابق با واقعیات تاریخ است» (سلامه، ۱۹۹۰ م، ۱۶۷-۱۶۱).

۳. هیجان و پویایی: یکی دیگر از ویژگی های حماسه؛ شور، هیجان و پویایی ای است که با خواندن آن اثر حماسی به مخاطب منتقل می شود (کزازی، ۱۳۷۲ ش، ۱۸۴). اما به نظر می رسد که اثر «سلامه»، از این لحاظ، بیشتر به منظومه تاریخی شباهت دارد تا حماسه. وی منابع مورد استفاده و همچنین لغات و اصطلاحات دشوار را در پاورقی شرح داده است. شاعر حتی در به کار بردن صنایع ادبی نیز به قابل درک و فهم بودن و نیز به سادگی متنش بسیار توجه داشته است. برای نمونه به ابیات زیر و صنعت ادبی به کار رفته در آن توجه نمایید:

«رَبِّ اِرْحَمِ عَبِيدَكَ الْيَوْمَ وَ اعْطِفْ  
لَا عَلَيْنَا بَلْ حَوْلُنَا الْغَيْثُ يَهْمِي  
وَ اسْتَجِبْنَا بِدِيمَةٍ وَ طَفَاءٍ  
وَ تَسِيلِ الْحَيَاءِ فِي بَغْدَادٍ»  
(سلامه، م. ۱۹۹۰، ۳۶)

ترجمه: بارالها! امروز به بنده ات رحم و لطف کن و دعای ما را با بارانی پر خیر و برکت مستجاب کن. بارانی پر خیر و برکت - و نه سیل آسا و ویران کننده که چون جاری شود، بغداد را غرق نعمت و سرزندگی کند.

واژه «الحياء» در بیت بالا به معنی زندگی است در حقیقت این واژه استعاره از باران است، زیرا باران سبب رونق زندگی است. به این صنعت ادبی مجاز مرسل می گویند. همان گونه که ملاحظه نمودید صنعت ادبی در شعر بالا در نهایت سادگی و البته زیبا و به جا استفاده شده است. البته در برخی از ابیاتش صنایع ادبی پیچیدگی بیشتری پیدا می کنند. برای نمونه به بیت زیر توجه نمایید:

«جَهْشُ الْمَسْجِدِ الْيَتِيمِ بَكَاءً  
حِينَ غَابَ الْإِمَامُ مِنْ فَقْهَائِهِ»  
(همان، ۲۰۹)

ترجمه: مسجد یتیم زمانی که امام از میان فقیهانش رخت بر بست، به شدت گریست.

در این بیت ، شاعر مسجد کوفه را بعد از شهادت حضرت امیر(ع) همچون یتیمی نشان داد که از شدت اندوه و ناراحتی بخاطر این مصیبت گریه سر می دهد. به نظر می رسد شاعر تا آن جا که به وقایع تاریخی لطمه ای وارد نمی شود، تلاش نموده تا از عنصر مبالغه استفاده کند.

۴ . شور و تکاپو: این ویژگی از برجسته ترین مشخصه های یک اثر حماسی است تا آن جا که در تعریف حماسه گفته اند: «حماسه شور، تپش و تکاپو است» (کزازی، ۱۳۷۲ ش ، ۱۸۶). در حماسه «عید الغدیر» نیز این شور و تکاپو تا حدود زیادی دیده می شود. اما باید گفت که این مسئله در تمام حماسه به صورت یکسان رعایت نشده است. یعنی در بخش هایی از این حماسه، شور و هیجان بسیاری وجود دارد و در مقابل ابیاتی نیز وجود دارند که در آن ها کم تر اثری از شور و هیجان دیده می شود. برای مثال به ابیات زیر دقت کنید:

و لَفَيْفُ الْحَجِيجِ مَوْجٌ بُحُورِ	« عاد من حجة الوداع الخطيرِ
صبحاً في الفدْفِدِ المغمورِ	لجة خلف لجة كانتشار الغيمِ
يستطيع القيام للتكبيرِ	و تباري للحج كل رشيدِ
ماً و هدياً إلى الصراطِ القريرِ»	واستفاض النبي نصحاً و أحكا

(سلامه ، ۱۲۴)

ترجمه: پیامبر(ص) از حجة الوداع بازگشت و گروه گروه حاجیان مانند امواج دریا نیز بازگشتند، دسته ای پشت سر دسته دیگر در آن بیابان پهناور، مانند ابرهای پراکنده در آسمان به هنگام صبح، می آمدند و به آن ها ملحق می شدند، هر کس که توانایی رفتن به حج را داشت در آن سفر حج شرکت کرده بود، پیامبر در میان حجاج شروع کرد به سخنرانی و ذکر احکام و برخی نصیحت ها و مردم را به راه راست و استوار هدایت می کرد.

در ابیات بالا آنچه مشاهده می شود روایت تاریخی محض است که غالباً از شور و نشاط خالی است. می توان گفت تنها چیزی که ممکن است ایجاد هیجان نماید، علاقه مندی شنونده برای شنیدن و دانستن فرجام داستان است. همان طور که گفتیم در مقابل ابیاتی وجود دارد که سرشار از شور و نشاط و هیجان است. به عنوان مثال می توان قصاید «خیبر» و «خندق» را نام برد. همچنین به صنعت ادبی به کار رفته در بیت زیر توجه نمایید:

« فاصطفى الشيخُ درةً لم تصادفَ      مثلها العينُ في الخلوصِ النقاءِ »

(همان، ۴۰)

ترجمه: عبدالمطلب گوهری را انتخاب کرد که چشم کسی مانند او در پاکی و صفا ندیده است.

در این بیت، شاعر، آمنه مادر پیامبر اسلام(ص) را به گوهری تشبیه کرده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، خیال‌پردازی قوی‌ای در این بیت صورت نگرفته است اما اگر با دید انصاف به این اثر نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که «سلامه» به خوبی توانسته از عهده بیان مفاهیمش با الفاظی ناب و زیبا برآید به گونه‌ای که حماسه‌اش قابل فهم و مأنوس گشته است. و در عین حال از وقایع تاریخی نیز فاصله‌ای نگرفته است. برای مثال به ابیات زیر و تناسب و ارتباط بین واژگان منتخب و معانی مورد نظر توجه نمایید:

« هَاهِنَا يَشْرَبُ الثَّرَى مِنْ دِمَانَا      وَ يَثِيرُ الْجَمَادُ دَمْعَ الْعَذَارَى  
 إِنَّ خَلَّتْ هَذِهِ الْبِقَاعُ مِنَ الْأَزْهَارِ      تَمْسِي قُبُورُنَا الْأَزْهَارَا  
 أَوْ نَجُومًا عَلَى الصَّعِيدِ تَهَاوَتْ      فِي الدِّيَا جِيرِ تَطْلُعُ الْأَنْوَارَا»

(همان، ۳۸۱)

ترجمه: در این سرزمین است که خاک خون ما را می‌نوشد و شیء بی جان اشک زیبا رویان را جاری می‌سازد، اگر این سرزمین خالی از گل‌ها و شکوفه‌ها است، به زودی قبرهای ما گل‌ها و شکوفه‌های این وادی خواهد شد، و یا همچون چون ستارگانی درخشان که در تاریکی شدید نور افشانی می‌کنند.

شاعر برای قبور شهدای کربلا واژه «الأزهار» و «نجوم» به معنی گل‌ها و ستارگان را به کار برده است. گل‌هایی که در بیابانی بی آب و علف روئیده‌اند و ستارگانی که در تاریکی شدید آسمان می‌درخشند. وی همچنین برای بیان ظلم و ستم و خفقان موجود در دوره اموی واژه «دیاگیر» و «البقاع»، به معنی تاریکی و سرزمین خالی از گیاه را به کار می‌برد. سلامه با استفاده از این تضادها در تعابیرش، به خوبی توانسته است مظلومیت امام حسین(ع) و از سوی دیگر درخشندگی و هدایت‌گری ایشان را در آن دوره پر از ظلم و ستم بیان کند.

۵. همراهی اسطوره و افسانه با حماسه: حماسه آمیزه‌ای از تاریخ، اسطوره، افسانه و امور خارق العاده است. (ضیف، ۲۰۰۰ م، ۱۸۹) در تمام حماسه‌های بزرگ مانند شاهنامه امور خارق العاده، مثل؛ دیو سفید و سیمرغ و امثال آن را می‌توان دید. کتاب «ملحمه عید الغدير» هم به نوعی این ویژگی را داراست. امور خارق العاده در این اثر همان واقعیت‌های تاریخی است که بیان می‌کند مثلاً آن جا که از رشادت‌های قهرمان اثرش (امام علی) در جنگ خیبر و شکستن در قلعه خیبر سخن می‌گوید:

وَ إِذَا بِالْأَمِيرِ يَخْلَعُ بَابَ الْحَصِّ      نِ تَرَسًا وَ يَتَّقِي ضَرْبَ قَاصِمِ  
 هُوَ بَابُ الْحَدِيدِ كَالطُّودِ ثَقَلًا      مُحْكَمِ السَّبِكِ كَالصَّخُورِ الصَّلَادِمِ

ترجمه: ناگهان حضرت علی در دژ را کند و به عنوان سیری از آن استفاده کرد و ضربه های درهم شکننده را با آن دفع کرد، آن در از جنس آهن بود که در سنگینی همچون کوهی سر به فلک کشیده و پایدار و بسیار محکم همچون صخره هایی عظیم و محکم بود.

اگرچه این وقایع کاملاً مطابق تاریخ است اما به جهت عظمتش مانند امور خارق العاده می نماید. البته این که چرا «سلامه» حضرت علی (ع) را به عنوان قهرمان حماسه اش برگزیده است قابل توجیه است زیرا اگر از بُعد مذهبی نیز به شخصیت آن حضرت نگاه نکنیم، آن حضرت طبق باور و اعتقاد شیعه انسانی کامل و نمونه بارز یک پهلوان است. یعنی در حقیقت امام علی (ع) پهلوان باورهای شیعیان است. بنابراین شخصیت های امام علی و امام حسین اسطوره های (دینی) این اثر هستند.

۶. بیان افتخار آمیز تاریخ و اندیشه های یک ملت: حماسه، تاریخ و اندیشه های یک ملت را با شیوه ای افتخار آمیز بیان می کند (مختاری، ۱۳۶۸ش، ۲۱). اثر مورد بحث نیز به گونه ای این ویژگی را داراست چرا که تاریخ و اسطوره های دینی و مذهبی آیینی را بیان می کند. مانند آن جایی که از رشادت های یاران امام حسین در کربلا سخن می گوید. (نک، سلامه، ۱۹۹۹م، ۳۱۰)

۷. آغاز افسانه ای و اسطوره ای: در حماسه های کهن چنین مرسوم است که داستان را با یک افسانه و اسطوره آغاز می کنند. در حماسه «عید الغدیر» نیز ما شاهد چنین مسئله ای هستیم. آن جا که ماجرای دنیا آمدن «هاشم بن عبد مناف» و برادر دو قلویش «عبدشمس» را ذکر می کند<sup>۱</sup>:

و مشی للخلودِ عبدُ منافٍ	یومَ اهدی للبریةِ هاشمَ
توأمُ جاءَ سابقاً عبدَ شمسٍ	سبقةً الضوءِ للمساءِ الداجمِ
ألصقتَ رجلهَ بوجههَ عبدٍ	و لدی الفصلَ نَزَّ دمٌ فاحمِ
ذاک رمزُ العداءِ قالت نساءُ	یا لشمومِ الحروبِ صاحِ الراجمِ

ترجمه: عبد مناف به سمت جاودانه شدن گام برداشت، روزی که هاشم را به مردم هدیه کرد، هاشم و عبد شمس دو قلو بودند. هاشم قبل از برادرش به دنیا آمد همان طور که روز و روشنایی قبل از شب تیره می آید، پای هاشم به پیشانی عبد شمس چسبیده بود و وقتی آنها را از هم جدا کردند خون سیاه رنگی (از بدنشان) جاری شد، زنان گفتند این نماد دشمنی است و کاهن و پیشگو فریاد زد زنهار از شومی جنگ ها.

(سلامه، ۱۹۹۰ م، ۲۹ - ۳۰)

<sup>۱</sup>. داستان از این قرار بود که هاشم و برادرش عبد شمس دو قلوهایی به هم چسبیده بودند، به این صورت که پای یکی به سر دیگری متصل شده بود. بعدها که این دو از هم جدا شدند، کاهنان و منجمان این طور تعبیر کردند که بین این دو برادر جنگ و جدایی می افتد. (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۱، ۴۵۷)



بنابراین و با توجه به این مسئله می‌توان گفت که اثر مورد بحث این ویژگی حماسه را نیز دارا می‌باشد.

۸. پروراندن قهرمانان و توصیف ابزار جنگی: یکی دیگر از ویژگی‌های حماسه پروراندن قهرمانان و توصیف ابزار و آلات جنگی است. که این ویژگی در حماسه «عید الغدیر» مشهود است. شاعر به خوبی توانسته از عهده این مهم برآید. به ابیات زیر توجه نمایید:

یلتوی الأخشبانَ قبلَ التوائِه	« و مَشَى حیدرُ یروم هَصوراً
لَیسَ غیرَ النجومِ فی أجوائِه	أیُّها النسرُ دونَه کلُّ نسرٍ
و قصیٌّ و غالبٍ من ورائِه	جَلَجَلتَ فیکَ روحُ عبدٍ منافٍ
و عیونٌ تَبکی علی أشلائِه	...فاذا بطشَه رماد و ذلٌّ
جبالاً مادَ فی خضیبِ رمائِه	کَبَّرَ المسلمونَ لما رأوه
بعد موتِ الزمانِ بعدَ فَنائِه	ضربَةً ذکرها یظل فتیاً
و تغنی الحادی بها فی حدائِه»	هابها الضیغمانُ کسری و روما

(سلامه، ۱۹۹۰ م، ۹۸)

ترجمه: حضرت امیر (ع) برای مبارزه با آن شیر درنده (عمر بن عبدود) پیش رفت و با او به مبارزه پرداخت، ای باز شکاری که دیگر بازان شکاری در مقابل تو هیچ اند و قدرتی ندارند، در آسمان تو فقط ستارگان می درخشند، روح عبد مناف و در پس او، قصی و غالب در تو می درخشند، هنگامی که بر او هجوم آورد چنان بر زمینش زد و او را هلاک کرد که بینندگان به حال او می گریستند، مسلمانان وقتی او را دیدند تکبیر گفتند، همچون کوهی محکم و استوار در برابر شکار به خون آغشته اش ایستاده بود، و آن ضربه ای که حضرت علی بر او زد ضربه ای است که برای همیشه جاودان می ماند، ضربه ای که پهلوانان ایران و روم از آن می هراسند و ساربان از آن در نغمه هایش یاد می کند.

سلامه در ابیات بالا دلاوری‌های حضرت امیر (ع) در جنگ خندق را به تصویر می‌کشد و همان‌طور که ملاحظه نمودید تا آن‌جا که توانسته کوشش نموده تا از الفاظ و واژگان فخیم، آن‌گونه که شایسته یک اثر حماسی است استفاده کند.

۹. ستیز ناسازها: از دیگر ویژگی‌هایی که حماسه بر پایه آن پدید می‌آید، ستیز ناسازها است. (کزازی، ۱۳۷۲ ش، ۱۸۴) که این مورد نیز تقریباً در سرتاسر کتاب حاضر به خوبی نمایان است. برای نمونه به ابیات زیر توجه نمایید:

دَفقَةُ النهرِ طاغياً هَدَّاراً	«... و تَوَالَّت جَحافلُ ابنِ زیادٍ
زاده الموقفُ الخطیرُ وقاراً	وقفَ السبَطُ فی العداةِ خطیباً

قال يا قومُ لم أجئكم عدوًّا بل أميراً دعوتُموه فساراً...»

(سلامه، ۱۹۹۰ م، ۲۸۳)

ترجمه: سپاهیان ابن زیاد یکی پس از دیگری همچون جوشش رودخانه ای طغیان گر می آمدند، فرزند پیامبر در مقابل دشمنان ایستاد و شروع به سخنرانی کرد و آن لحظات و جایگاه مهم بر هیبتش می افزود، و گفت: ای قوم! من اینک برای دشمنی و به عنوان دشمن شما نیامده ام، بلکه امیر و پیشوایی هستم که او را دعوت کرده اید، پس نزدتان آمده ام.

شاعر در ابیات بالا رویارویی دو لشکر امام حسین (ع) و ابن زیاد را که یکی نماد نیکی و دیگری نماد بدی است به تصویر می کشد.

۱۰. عاطفه در حماسه: عاطفه در یک اثر حماسی، بنا بر نوع آن حماسه (ملی، دینی و غیر آن) متفاوت است. صداقت شاعر یا نویسنده یکی از مهم ترین ملاک های نقد یک اثر ادبی است. و مراد از صداقت، صداقت در متأثر شدن و برانگیخته شدن عواطف نویسنده و یا شاعر است و این که تا چه اندازه در بیان احساساتش صادق بوده است (سید قطب، ۱۹۹۰ م، ۳۲). اثبات این که آیا «سلامه» در سرودن حماسه اش و اظهار علاقه اش به امام علی (ع) و فرزندش امام حسین (ع) صادق بوده است یا نه کاری بسیار دشوار است. البته وی در مقدمه کتابش امام علی (ع) را شخصیتی کامل معرفی می کند. و در پاسخ به منتقدان چنین می گوید: «بله، من مسیحی هستم. اما تاریخ برای همه انسان ها است. علی مردی است که از همه لحاظ به کمال رسیده است. متفکر و فقیه و دلاوری شجاع است. او بازوی توانا و قهرمان دلاور اسلام است. اعجاب انگیزتر از این همه تقوای اوست و صبوری اش. صبورتر از علی بن ابی طالب سراغ ندارم. با این که سرتاسر زندگی اش از لحظه تولد تا شهادتش پر بود از درد ها و مصائب» (سلامه، ۱۹۹۰ م، ۲۱ - ۲۰) او همچنین در قسمت پایانی اشعارش خود را محب و شیعه

امام علی (ع) معرفی می کند و می گوید:

«یا امیرَ الإسلامِ حسیبِ فخرًا	إِنِّی منکِ مالئُ أصغریاً
جلجل الحقُّ فی المسیحی حتی	عُدَّ من فرطِ حبه علویاً
أنا من یعشق البطولةَ و الإلهامَ	و العدل و الخلاق الرضیاً
فإذا لم یکن علیُّ نبیاً	فلقد کان خلقه نبویاً
یا سماءُ أشهدی و یا أرضِ قری	و اخشعی إِنِّی ذکرتُ علیاً»

(همان، ۳۴۶)

ترجمه: ای امیر اسلام همین برای من کافی است که قلب و چشمانم از عشق تو سرشار است. / نور حق در این مرد مسیحی تابید تا اینکه از شدت علاقه اش او نیز علوی شد. / من از افرادی هستم که پهلوانی، دلاوری، عدل و اخلاق پسندیده را بسیار دوست می دارند. / اگر علی (ع) در شمار پیامبران نباشد اما اخلاقش مانند پیامبران است. / ای آسمان گواه باش و ای زمین اقرار کن و خاشع شو چراکه من ذکر علی را گفتم.

شعر وسیله‌ای است که شاعر از آن برای تحریک عواطف مردم و گاه برای تغییر دادن دیدگاه‌ها و نیز برای تعلیم دادن چیزی به قشری از آن استفاده می‌کند. لذا با توجه به این‌که قهرمان حماسه «بولس سلامه» امام علی است، این‌که در پایان اثر نویسنده خود را عاشق و پیرو قهرمانش معرفی کند امری دور از ذهن نیست چراکه در غیر این صورت هیچ انقلابی نیز در احساسات خواننده‌اش نمی‌تواند ایجاد کند. مسئله دیگری که نویسنده، در مقدمه این کتاب عنوان می‌کند این است که سرودن حماسه‌اش بنا به پیشنهاد و سفارش «سید عبدالحسین شرف الدین» بوده است. و این مسئله‌ای است که ممکن است چنین سؤالی را به وجود آورد که آیا نویسنده و یا شاعر در یک اثری که به سفارش و یا پیشنهاد شخص دیگری آن را خلق می‌کند می‌تواند صادق باشد یا خیر؟ و دیگر این‌که آیا سلامه، امام علی را با روز غدیر و تعیین ایشان به عنوان امام و پیشوای مسلمانان شناخته است و یا این‌که حضرت را بدون در نظر گرفتن روز غدیر، همچون اعتقاد شیعه، به عنوان انسانی کامل پذیرفته است. این سؤال‌ها را می‌توان با نگاهی به آثار «سلامه» به راحتی پاسخ داد. زیرا شاعر قبل از سرودن این حماسه، آثاری مانند «علی و الحسین» و «محمد» و مانند این دو داشته است. و در مقدمه «عید الغدیر» بیان کرده که قسمتی از قصیده «علی و الحسین» را در حماسه‌اش آورده است. (سلامه، ۱۹۹۰ م، ۱۹) همچنین با توجه به نامه‌ای که وی خطاب به «علامه امینی» نوشته و در آن به شدت علاقه و عشق خود نسبت به حضرت امیر(ع) اشاره کرده، می‌توان صداقت عواطف «سلامه» را دریافت و نیز می‌توان دریافت که وی، علی (ع) را تنها با غدیر شناخته است. و در واقع با طرح چنین مسئله‌ای این توهم که ممکن است اثر مورد بحث، چون بنا به سفارش «علامه شرف الدین» سروده شده است خالی از صدق عاطفه بوده و در نتیجه تصنعی باشد، نیز زدوده می‌شود. همچنین «بولس سلامه» خود شخصیتی نامی بوده که به نیکی و عدالت و صداقت شهره بوده است (داغر ۱۹۸۳ م، ۴ / ۳۵۰-۳۴۸) از دیگر سو، تنها یکبار خواندن مقدمه کتاب این مطلب را کاملاً مشخص خواهد کرد که وی در احساسش نسبت به امام علی و فرزندش امام حسین (ع) صادق بوده است.

۱۱. بحر و موسیقی حماسی: یک اثر حماسی، همچون باقی انواع ادبی، وزن، موسیقی و بحر مخصوص خود را دارد. بنابراین در ادب حماسی از بحری مناسب حماسه استفاده می‌کنند. مثلاً بحر

خفیف، بحر متناسب با موضوع حماسی است و قالب‌های حماسی بزرگ در این بحر سروده شده‌اند. (حسنی، ۱۳۸۳، ش ۸۲) از لحاظ رعایت اوزان شعری و تناسب قوافی و بحر به‌کار گرفته شده با موضوع می‌توان گفت «سلامه» از الفاظی مناسب با احساساتش استفاده کرده است. یعنی غالباً از الفاظی فخیم که مناسب با موضوع حماسی است استفاده کرده است که این الفاظ موسیقی حماسی به این اثر می‌بخشند. اما این موضوع را در همه قسمت‌های حماسه‌اش به‌طور منظم رعایت نکرده است. و همین مسئله باعث می‌شود که این اثر با وجود شور و هیجانی که در بیش‌تر قسمت‌های آن دیده می‌شود، در قسمت‌هایی نیز آرام باشد و حالت حماسی خود را از دست بدهد که در این صورت بیش‌تر حالت غنایی و عاطفی پیدا می‌کند.

وی همچنین در به‌کار بردن بحری متناسب با موضوع نیز موفق بوده است. زیرا این حماسه در بحر خفیف سروده شده است و همان طور که گفتیم این بحر مناسب حماسه است.

۱۲. ذکر وقایع تاریخی یک قوم یا ملت: شاعر در یک اثر حماسی به بیان تاریخ و افتخارات و اندیشه‌های یک قوم و ملت می‌پردازد (بقاعی، ۱۹۸۵، م، ۲۶۲؛ مختاری، ۱۳۶۸، ش، ۲۱). در مورد ذکر وقایع تاریخی باید گفت «ملحمة عید الغدیر»، همان طور که پیش‌تر اشاره کردیم، منظومه‌ای است در تاریخ اسلام. سلامه در مقدمه کتاب درباره صحت مطالب تاریخی اثرش، بیان می‌کند هر آن چه را به نظم در آورده از کتب معتبر تاریخی از قبیل «تاریخ ابوالفداء»، «تاریخ ابن اثیر» و «تاریخ طبری» برگرفته است. البته صحت مطالب عرضه شده در حماسه «عید الغدیر» و این‌که تا چه اندازه با تاریخ مطابقت دارد، بیشتر مربوط به مورخین است. اما ما نیز در این‌جا، با توجه به کتاب «الکامل ابن اثیر» که به عنوان یکی از مراجع شاعر در سرودن این حماسه معرفی شده است، به بررسی چند مورد می‌پردازیم:

أ) ماجرای به دنیا آمدن «هاشم» و برادرش «عبد شمس»، که تقریباً در ابیات آغازین کتاب آمده است کاملاً با آنچه «ابن اثیر» در کتاب خود «الکامل فی التاریخ» آورده است مطابقت دارد. (ابن اثیر، ۱۹۸۹، م، ۱/۴۵۷)

ب) حکایت جنگ خیبر و وقایع مربوط به آن نیز تماماً با مطالب نقل شده در کتاب «الکامل فی التاریخ» برابری می‌کند. (همان، ۵۹۶)

ت) داستان پیوستن «حر بن یزید ریاحی» که در این حماسه آمده است نیز کاملاً مطابق است با آنچه ابن اثیر در تاریخ خویش نقل می‌کند. (همان، ۲/۵۵۳)

بنابراین با توجه به موارد ذکر شده می‌توان گفت: به نظر می‌رسد که «سلامه»، همان‌طور که خود می‌گوید، چیزی غیر از آنچه در کتب تاریخی آمده است ذکر نکرده است. (سلامه، ۱۹۹۰ م، ۱۹)

نتیجه:

چنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم، حماسه سرایی، به معنا و مفهوم واقعی، در ادبیات عرب پدیده‌ای تازه و نوین است و سابقه و قدمت چندانی ندارد زیرا عرب در قدیم دارای حکومتی نبوده است. غالب حماسه‌هایی که در ادبیات معاصر عربی به‌وجود آمده‌اند پیرامون اهل البیت (ع) می‌گردند و از میان این حماسه‌ها آنچه درخشش بیش‌تری یافته است «حماسه عید الغدیر» است.

شاید چنین پرسشی به ذهن‌خطور کند که آیا این اثر را می‌توان یک «حماسه» نامید یا این‌که آن تنها یک «تاریخ منظوم» است؟ برای پاسخ به این پرسش به صورت مختصر به جمع‌بندی مطالب گفته شده می‌پردازیم:

أ) همان‌طور که گفتیم؛ حماسه شعری است طولانی که به شیوه داستانی و در قالب اسطوره سروده شده است. حماسه مورد بحث نیز به شیوه داستانی سروده شده و پهلوان این حماسه، یعنی امام علی و فرزندش اسطوره‌های آیین اسلام به‌شمار می‌آیند. به عنوان مثال ماجرای «کربلا» و رشادت‌های شهدای آن در میان مسلمانان به عنوان یک اسطوره در آمده است.

ب) موضوع یک اثر حماسی رفتار و کردار پهلوانان و حوادث قهرمانی و افتخارات باستانی و تاریخی یک ملت است. حماسه «عید الغدیر» نیز پیرامون دلاوری‌های امام علی و سپس امام حسین (ع) می‌گردد که این هر دو، شخصیت‌های برجسته تاریخ دین اسلام هستند.

ت) شاعر در حماسه بیش‌تر به امور خارق‌العاده می‌پردازد که همین امر خود عامل اصلی ایجاد شگفتی است. ممکن است به نظر برسد که حماسه مورد نظر از این ویژگی عاری است. «سلامه» بسیار بر این نکته تأکید کرده است که حماسه‌اش مطابق با تاریخ است و چیزی از خود بدان نیافزوده است. باید گفت؛ درست است که این حماسه از خیال‌پردازی به مفهوم افسانه سرایی عاری است، چرا که از نظر شاعر این‌گونه خیال‌پردازی بر تاریخ حرام است، اما حوادثی مانند حادثه کربلا با تمام ماجراهایش نیز مانند امور خارق‌العاده و باور نکردنی هستند از این جهت که حقایق آن واقعه، به جهت عظمتش، از حد تصور و درک خارج هستند.

ث) در حماسه آمیختگی نیکی و بدی و ستیز ناسازها الزامی است. که این مورد نیز به وفور در سرتاسر حماسه مذکور دیده می‌شود.

ج) حماسه شور و تپش و هیجان است. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم این مسئله در بسیاری از قسمت‌های حماسه بولس‌سلامه دیده می‌شود قسمت‌هایی از این حماسه نیز تا حدود زیادی از این ویژگی فاصله گرفته است اما نمی‌توان گفت که بطور مطلق خالی از شور و هیجان است. برای مثال نگاه کنید به قصیده «الجاهلیة».

ج) غالب حماسه‌ها با یک اسطوره یا افسانه شروع می‌شوند. این حماسه نیز ویژگی مذکور را دارد زیرا چنان‌که اشاره شد سلامه حماسه‌اش را با داستان به دنیا آمدن هاشم و عبد شمس و پیش‌گویی کاهنان درباره آنان آغاز کرده است.

در کل می‌توان گفت: اثر مذکور تا حدود بسیار زیادی ویژگی‌های یک اثر حماسی را داراست و نامیدن آن به عنوان «منظومه تاریخی عید الغدیر» دور از انصاف است. در ضمن باید توجه داشت که حماسه سرایی شبیه حماسه‌های بزرگ جهانی در ادبیات عربی امری نوپاست که به تقلید از حماسه‌های دیگر ملل به وجود آمده است. لذا با در نظر گرفتن این مسئله، سرودن یک اثر حماسی در چنین حدی در نوع خود بسیار ارزشمند است. بنابراین می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که سرودن چنین حماسه‌ای، در نوع خود بسیار دل‌پسند است و آنچه جذابیت این اثر را دوچندان می‌کند این است که حماسه مذکور در حقیقت بازگوکننده تاریخ اسلام است و به حدی ویژگی‌های حماسه در آن بارز است که نمی‌توان آن را یک «منظومه تاریخی محض» نامید.

## فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن الاثير، *الكامل فى التاريخ*، بيروت، ۱۹۸۹م.
۲. الامينى، عبدالحسين احمد، *الغدیر*، بيروت، ۱۹۸۳م.
۳. البقاعى، *الانواع الادبيّة*، بيروت، ۱۸۹۵م.
۴. سيد قطب، *التقد الادبى*، بيروت، ۱۹۹۰م.
۵. سلامة، بولس، *عيدالغدیر*، قم، ۱۹۹۰م.
۶. حسنى، حميد، *عروض وقافيه عربى*، تهران، ۱۳۸۲ش.
۷. خزعلی، انيسه، *امام حسين در شعر معاصر عربى*، تهران، ۱۳۸۳ش.
۸. ضيف، شوقى، *تاريخ الادب العربى، العصر الجاهلى*، قاهره، ۲۰۰۰م.
۹. داغر، اسعد، *مصادر الدراسة الادبيّة*، بيروت، ۱۹۸۳م.
۱۰. كزازى، ميرجلال الدين، *رويا، حماسه، اسطوره*، تهران، ۱۳۷۲ش.
۱۱. مختارى، محمد، *حماسه در رمز و راز ملي*، تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۲. المقدسى، انيس، *الاتجاهات الادبيه فى العالم العربى الحديث*، دمشق، ۱۹۸۲م.

